

إِلَهِي اِغْتَذَارِي إِلَيْكَ اِعْتَذَارَ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنِ قَبُولِ عُذْرِهِ فَاقْبَلْ عُذْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اِعْتَذَرَ إِلَيْهِ
الْمُسِيئُونَ ...

معبود من! عذر آوردنم به درگاهت، عذر آوردن کسی است که نیاز به قبول دارد. پس عذر را بپذیر، ای بزرگواریترین کسی که تبهکاران به درگاهش عذر می آورند ...

• اعتذار به پیشگاه خداوند

بعد از ارتکاب گناه، چه چیزی بهتر از عذرخواهی در پیشگاه خداوند بزرگ، به عنوان برداشتن قدم اول در پذیرش توبه؛ به خصوص آنکه، بنده دلایل کافی در عذرخواهی و قبول عذر از طرف خداوند در اختیار دارد.

گرچه آدمی موظف به ترک معاصی می باشد ولی:

از یک سو، دشمنی به نام «ابلیس» دارد که قسم یاد کرد که آدمیان را گمراه نماید: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ
لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ؛ شیطان گفت: به عزت ای خدا، سوگند که همه را گمراه خواهم کرد». (ص: ۸۲)

و از سوی دیگر، انسان گرفتار نفس امّاره است که همواره و با قدرت او را به بدی امر می کند، چنانچه در قرآن مجید از زبان آدمی فرمود: وَ مَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و من خود را از عیب و لغزش مبرا نمی دانم، زیرا نفس امّاره، فراوان، مرا به بدی دستور می دهد، مگر آنکه پروردگارم، رحم نماید، همانا که پروردگارم آمرزنده و مهربان است. (یوسف: ۵۳)

در کنار همه عوامل فریب دهنده که گرداگرد آدمی را فرا گرفته است - به ویژه اگر در آغاز شباب و جوانی نیز باشد - کار بر او سخت تر خواهد شد، زیرا فصل جوانی به سبب اقتضائاتی که در آن نهفته است، بیش از هر زمان دیگری، زمینه را برای ارتکاب لغزش ها مهیا می سازد.

گرچه هیچ کدام از عوامل فوق نمی تواند خیالِ آدمی را در ارتکاب گناهان آسوده نماید؛

چون در سایه همین فشارها، و سپس کنترل نفس است که آدمی به مقامی برتر از مقام فرشتگان دست می یابد؛

ولی دست کم اینکه عذرخواهی او را به درگاه پروردگارش، موجه می سازد چون خداوند، پذیرای عذر عذرخواهان می باشد.

همانگونه که در دعای جوشن کبیر آمده است که: «یا مَنْ يُقْبَلُ عُذْرَ التَّائِبِينَ؛ ای آنکه عذرخواهی توبه کنندگان را قبول می کنی».

و اساسا عذرخواهی از خداوند از صفات نیکو برای بنده محسوب می شود و برای او، گامی می باشد به طرف تکامل و پیشرفت.

عُذْرٌ بِهِ أَنْ رَأَىٰ أَنَّهُ ظَلَمَ لَا تَخَيُّبَ طَمَعِي وَلَا تَقَطُّعَ مِنْكَ جَائِي وَأَمَلِي ...
بنده از آن عذر به جایی رسید

نظامی

إِلَهِي لَا تَرُدَّ حَاجَتِي وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي وَلَا تَقَطُّعْ مِنْكَ جَائِي وَأَمَلِي ...

معبود من! حاجتم را رد مکن و دستِ طمعم را تهی برمگردان و امید و آرزویم را از خود قطع مساز!

...

• تمنای استجابت دعا و تقاضای حفظ امید و طمع به خداوند

امیدوار بودن به خداوند، یکی از عالی ترین ویژگی های بندگان است.

از آنجا که از خداوند، توقع هرگونه خیر و خوبی و مهرورزی و گذشت و عفو می رود ...

و از آنجا که خداوند، هرگز امید کسی را ناامید نخواهد کرد ...

به همین دلیل، امید، بهترین سرمایه برای آدمی به شمار می رود، تا به سبب آن به هدف های بزرگ و آرزوهای والایش دست یابد.

چنانچه مولا علی علیه السلام در دعایِ کمیل می گوید: «إِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ؛ خدایا! رحم کن بر کسی که سرمایه او، امید است».

و در دعای صَبَاحِ نِز در مقامِ امید به خداوند عرض می کند: «إِلَهِي قَرَعْتُ بِإِرْحَمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي؛ معبودِ من! با دستِ امیدم درِ رحمتت را می زنم».

حوزه نت